

سعید نفیسی و بررسی نهضت خرم دینان

در آستانه تصرف شدن بوسیله اعراب، آذربایجان سرزمینی بود غنی از حیث منابع طبیعی زمین‌های حاصلخیز و فرهنگ بالنگ بالنسبه رشد و ترقی یافته و دارای شهرهای متعدد که بین خود و سایر کشورهای دیگر داد و ستد و تجارت ثمربخش می کردند - مورخین عرب (ابن خردادبه از ۱۱۹). ابن الفقیه (از ۲۲۵) الاستخری از ۱۸۱ و بعد ابن حوقل از (۳۳۳ - ۳۳۵) فقط در آذربایجان جنوبی بیش از چهل شهر را برشمرده اند که عمده آنها عبارتند از: شکی، شماخه، قباله، بیلقان و هکذا...

طوایف کاملی از اعراب شهرهای کوفه و بصره و امثال آن را با آنجا منتقل کردند. وقتی خلیفه ابوجعفر منصور از خاندان عباسیان در سالهای ششم سده هشتم نیریدین حاتم اسلامی را حکمران آذربایجان کرد نامبرده چند طایفه از یمن به آنجا کوچاند و آنها تمام ایالت قراچه داغ را با تمام شهرهای آن من جمله شهر تبریز را تملک و تصاحب نمود.

ایالت مرزی نزدیک دریاچه ارومیه از طرف مر بن علی تصاحب شد و او طایفه طائی خود را با آنجا کوچاند شهر میانج با نواحی مجاور تصرف شد طایفه همدانی در آنجا سکنی داده شد بطوریکه طبری مورخ عرب اطلاع داده است. دائماً بین اشراف و رجال عرب برای تصاحب آن زمین‌ها با اهالی محل برخوردهای سخت می شده است. و این جریان یعنی محروم کردن کشاورزان از حق مالکیت زمین بطرز درخشان بوسیله

ور. روزن خاورشناس نامدار روس در تقریظ او برای (Enttugreschichte des unter denchalfen Vienna, 1875-77) وصف شده است.

زارعین و دهگانان محروم شده از مالکیت زمین ناچار بودند زمین را اجاره کنند و مالکین زمین هم با میل آنرا باجاره (سهم کاری) می دادند زیرا بر طبق معمول، خود آنها اقدام به ایجاد اقتصاد اربابی روستائی از طریق استفاده از کار زارعین سر قباله زمین نمی کردند. گذشته از اجاره بهای زمین (در بسیاری موارد همچنین برای آب و حیوانات زراعتی و وسائل کشت و زرع و بذر) مستأجر سهم کار از حاصل قسمت و سهم خود خراج را هم می پرداخت.

سهم آنها از $\frac{1}{13}$ تا $\frac{1}{3}$ نوسان داشت^۱.

در اواخر سده هشتم بهره کشی از روستائیان و سایر توده های مردم به حد اعلاى خود رسید. و افزایش سریع جنبش ها و نهضت های بیشمار ملی هم در آذربایجان و هم در سایر نقاط ایران بهمین امر بود. کافیتست که قیام های بزرگ ملت های آسیای میانه و ایران را، از قبل قیام سنباد (۷۵۵) در خراسان و هاشم بن حکیم مقنع در مرو (۷۷۶ - ۷۸۳) و مازیار در سیستان و امثال آنرا بخاطر بیاوریم.

قیام بابک در آذربایجان از حیث مقیاس بزرگترین و از لحاظ تاریخی مهمترین نهضت ملی آزادیخواهی سده نهم در خاور زمین اسلامی بوده. آن نهضت آزادیخواهانه مردم آذربایجان و آن مبارزه با سرسختی و پافشاری بخاطر کسب استقلال و آزادی از یوغ خارجیان و بالاخره برای از بین بردن مبانی فئودالی در کیفیت بسیاری از قیام ها و شورش های ضد اسلامی و ضد فئودالی کلیه کشورهای تحت رقیب خلافت عربی تأثیری عظیم داشت. قیام خرمدینان تحت رهبری بابک یکی از صفحات درخشان تاریخ ملت آذربایجان و هم ملت های تمام ایران و قفقاز است.

۱- در این باره آ. یو. یا کوپوفسکی مفصلاً شرح داده است. « درباره اجاره های

سهم کاری در سده هشتم» مجله خاورشناسی شوروی، جلد ۴، مسکو - لنینگراد ۱۹۴۷.

خدمت مهم تاریخی بابک، بعنوان رهبر نهضت ملی، عبارت از این بود، که او جنبش‌های مجزا و جداگانه روستائیان آذربایجان را متحد و یکپارچه نمود، به شاه راه مشترک هدایت و تمام ملت را بسیج کرد و بدین ترتیب به نهضت جنبه عمومی و ملی داد. بعدها شورش بابک بدرجات بیشتر رشد کرد و توسعه یافت و از حدود آذربایجان گذشته شامل بسیاری از ایالات و توده‌های مجاور شد. ارمنستان و قسمت مهمی از ایالات مرکزی باجدیت و فعالیت به شورش بابک پیوستند.

شورش‌های بابک نیروهای خلافت را ناتوان نمود مأمون خلیفه قبل از مرگ در طوس (سال ۸۳۳) در وصیت خویش به معتمد جانشین خود دستورات و اوامر مفصل برای پیشرفت در مبارزه با بابک داد. همین امر نشان می‌دهد که نهضت خرم‌دینان چقدر دامنه‌دار شده و برای وجود خلافت چه خطری داشته است در «سیاست نامه» تألیف نظام‌الملک وزیر اولین سلاطین سلجوقی (در سال ۱۰۹۳ در گذشته) یک قطعه فوق‌العاده جالب توجه وجود دارد که بهترین نحو مقیاس شورش بابک را نشان می‌دهد.

در سیاست نامه چنین نوشته شده است: معتمد را سه فتح برآمد که هر سه قوت اسلام بود یکی فتح روم (بیزانس - ر.ع) دوم فتح بابک، سوم فتح مازیار گبر (به طبرستان) اگر از این سه فتح یکی را نیامدی اسلام زبون بودی. در علم تاریخ شوروی فقط قسمتهای کوچکی در کتابهای درسی^۱ به نهضت ملی آزادینخواهی بابک اختصاص یافته است. و همچنین آثار خاورشناسان نامی آ. یو. یاکوبوفسکی^۲ و س. پ.

۱ - «سیاستنامه کتابی درباره حکومت نظام‌الملک وزیر سده ۱۱». ترجمه و مقدمه

بررسی این یادگار و توضیحات از پروفیسور ب. ن. زاخورد. مسکو - لنینگراد سال ۱۹۴۸ صفحات ۳۳۷-۳۳۸.

۲ - شرح مختصر تاریخ آذربایجان، مجله اطلاعات فرهنگستان علوم ج. س. س.

آذربایجان. شعبه علوم اجتماعی سال ۱۹۴۶ شماره یک

۳ - یاکوبوفسکی - آ. یو. «تاریخ ملت‌های ازبکستان». جلد اول

تالستوف و ب. ن. زاخودر و همچنین بعضی آثار ساده و عامه فهم، مانند حکایت «بابک» اثر تو مارا وجود دارد.

باید یک سلسله مقالات و شرح های وصفی کوچک ابراهیموف و ای. یامپولسکی و دیگران را خاطر نشان ساخت. تمام این آثار بر شمرده که در آنها بطور کلی شورش بابک درست ارزیابی و جنبه ملی آزادیخواهی آن تأکید شده است حاوی اطلاعات و مدارك واقعی بسیار اندکی درباره وجود آمدن و جریان خود آن نهضت است. در این کتابهای درسی و شرح های وصفی و مقالات و اطلاعات بیشتر و بسیار گرانها منابع عربی و فارسی و ارمنی مورد استفاده واقع نشده، که در آنها به تفصیل و بطور همه جانبه تاریخ بوجود آمدن نهضت خرم دینان در آذربایجان و زندگی و فعالیت بابک رهبر آن و مبارزه او با خلافت عرب و صف گردیده است.

اکثر آثار دانشمندان خارجی، که به شورش بابک اختصاص یافته دارای ارزش علمی نیست. گذشته از اینکه در بسیاری از آن تعلیمات خرم دینان بطور مبهم و گاهی مغرضانه و بدون رعایت بیطرفی شرح داده شده اطلاعات و مدارك حقیقی هم که در آنها ذکر شده ناقص است و در اکثر موارد دارای جنبه تصادفی و غیر تخصصی و نامنظم دارد و غالباً متکی به منابعی است، که متون صحیح آن انتشار نیافته است و بدین ترتیب حاوی اشتباهات زیاد است.

نخستین اطلاعات درباره بابک در اروپا بوسیله تألیفات عمومی و کلی درباره خلافت و اسلام اثر ک. وائیل (« تاریخ خلافت » ، سال ۱۸۴۸)^۱ و ل. آ سردی یو (« تاریخ عمومی اعراب » ، سال ۱۸۷۷)^۲ و مولر « اسلام در خاور و باختر » سال ۱۸۵۵)^۳ و ف جوستی (« شجره ایرانیان » سال ۱۸۹۵)^۴ و ا. بلوشه ظهور آخرالزمان در الحاد

۱ - G. Wai. Geschichte der Chalifen. Mannheim, 1848 11, 234-240

۲ - L. A. sedillat. Histoire generale des Arabes vol. 2, Paris 1877.

۳ - Müller. Der islam in Morgen- and Afenland. Berlin, 1885, I 508.

۴ - Ferdinand Yusti, Iranischen Namenfuch, Marfurq, 1395.

مسلمین، سال ۱۹۰۳)^۱ و ك هوارت («تاریخ اعراب» سال ۱۹۱۲)^۲ و موئیر («خلافت سال ۱۹۱۵)^۳ و غیره داده شده است از تألیفات مخصوص باید مقاله^۴ بالنسبه بزرگك. فلوگل را در مجله^۵ «انجمن خاوری آلمان»^۶ و همچنین مقاله^۷ كوچكك. تلوارت را در دائرة المعارف اسلام^۸ یادآوری نمود.

تحقیقات و بررسی های مختصر و مقطع خاورشناسان اروپائی بعداً بوسیله پژوهندگان ایرانی ادامه یافته بمراتب بیشتر تکمیل شده است. در آغاز سالهای سی ام سده^۹ هشتم در ایران سلسله کامل مقالات و شرح های وصفی درباره شورش بابك و تعلیمات خرم دینان شروع به انتشار یافت. اولین سلسله^{۱۰} این مقالات، که از لحاظ کبیت و کیفیت مدارك حقیقی مندرج در آن بر تمام آثار دانشمندان اروپائی رجحان داشت و قبل از سالهای بیستم این سده انتشار یافته بود اثر خامه^{۱۱} پروفیسور سعید نفیسی دانشمند معروف ایرانی بود. در مقالات مذکور پروفیسور سعید نفیسی^{۱۲} نخستین بار بطور منظم اطلاعات منابع عربی و فارسی تاریخ شورشیان خرم دینان را تحت رهبری بابك شرح داده بود. غیر از شرح های وصفی سعید نفیسی در ایران یک سلسله مقالات و تحقیقات دیگر هم درباره بابك منتشر شد. تألیفات عباس اقبال و عبدالحسین زرین کوب و ذبیح الله صفا از آن جمله است.

۱- E. Blochet. Le messianisme dans l' Heterodoxie musulmane. Paris

1903.

۲- Cl. Huart. Histoire des Arabes, 2 vol. Paris, 1912.

۳- W. Muir, the Caliphate, Edinburg, 1915

۴- G. Flügel. ZDMY, xxiii, 511-531

۵- Encyclopedie l' Islam, I, Leyden et Paris, 1913, 557-558.

۶- سعید نفیسی، بابك خرم دین، مجله «مهر»، سال اول انتشار، سال ۱۹۱۲،

شماره های ۹ - ۱۰ - ۱۲.

۷- سعید نفیسی، گرفتاری و کشته شدن بابك، مجله «مهر»، سال دوم انتشار.

همچنین از دکتر مجتبی مینوی و صادق هدایت نویسنده نامدار ایرانی را درباره شورش مازیار در سده نهم در ایرال باید خاطر نشان ساخت . در این آثار اولین بار به رابطه ابراز توجه می شود ، که بین نهضت بابک و شورش مازیار وجود داشته است ، در تألیف چند جلدی مرتضی راوندی هم که چندی قبل منتشر شد برای نهضت خرم دینان مقام و اهمیت خاصی قائل شده است^۱.

رساله اساسی و مهم « نهضت های مذهبی ایرانیان » نگارش غلامحسین صدیقی دانشمند ایرانی که در سال ۱۹۳۸ در پاریس^۲ به زبان فرانسه منتشر گردیده در میان کلیه تألیفات انتشار یافته تاکنون درباره شورش بابک مقام خاصی دارد . ارزش تألیف صدیقی از این لحاظ است ، که در آن از نظر فقه اللغة (فیلولوژیک) خالص بر اصل اساسی نهضت های ملی - آزادی خواهانه ایران و رابطه و پیوستگی بیکدیگر مورد تجزیه و تحلیل واقع و خصوصیات مختص و خاص خود آنها تأکید شده است . صدیقی در رساله خود از منابع و مدارک بسیار زیاد استفاده نموده ، تقریباً از تمام منابع عربی و فارسی و تألیفات کلیه خاورشناسان دانشمند اروپائی و شرقی بهره برده است . اثر تحقیقی صدیقی شامل قسمتهای زیر است :

- (۱) اوضاع مذهبی در ایران در آستانه هجوم اعراب . (۲) در زمان خلافت ،
- (۳) در زمان بنی امیه ، (۴) در زمان عباسیان ، (۵) مانویت و زندیقی ، (۶) آئین مزدکی ،
- (۷) به آفرید ، (۸) اسحق ، (۹) استادسیس ، (۱۰) مقنع ، (۱۱) خرم دینان ، بابک ،
- (۱۲) منابع و بیلوگرافی .

فصل مربوط به خرم دینان و شورش بابک قسمت مهم این تألیف را

۱ - در آثار برشمرده دانشمندان ایرانی رجوع شود به بیلوگرافی انتشار یافته در ذیل کتاب سعید نفیسی .

۲ - Gholam Hossein sadighi. Les mouvements Religieux Iraniens au - II et III siecle de l' hegerie. Paris, 1938.

(خرم دینان - صفحات ۱۸۷ - ۲۲۸ - و بابک صفحات ۲۲۹ - ۲۸۰)
 و بدین ترتیب عبارت است از اولین کاملترین شرح نگارش یافته در این باره . در این اثر تحقیقی بادقت و توجه بسیار تاریخ بوجود آمدن تعلیمات خرم دینان و آداب و اخلاقیات و ایالات عمده که تعلیمات مذکور در آنجا اشاعه داشته ، پیگیری شده ، زندگی و فعالیت بابک رهبر خرم دینان و مبارزه و جنگهای او با خلافت عرب و صف گردیده ، کوشش شده است وجه مشترکی که معلوم گردد در ایده‌تولوژی خرم دینان و سایر نهضت‌های ملی در ایران و آسیای میانه وجود داشته تحت عناوین مختلف مذهبی در جریان است .

معهدا تألیف صدیقی دارای یک سلسله کمبود و نقص است .

قبل از هر چیز باید خاطر نشان ساخت ، که این کتاب از نظر ایده‌آلیستی و بدون رعایت بیطرفی نوشته شده است . در سراسر کتاب آن وضع نادرست مشاهده می‌شود ، که بر طبق آن احساسات و مقاصد مذهبی عین هدف بوده است ، نه عنصر کمکی و جلد یا پوششی بوده ، که نهضت‌های ملی در ذیل آن جریان داشته است . سپس ریشه‌های اجتماعی و علل اقتصادی خالصی ، که بالاخره مسبب اساسی بوجود آمدن آن نهضت‌ها بوده ، بطور مبهم معلوم گردیده است . غیر از آن در کتاب سهو و اشتباهات مربوط به واقعیات وجود دارد .

گذشته از تمام مطالب دیگر نویسنده این اثر تحقیقی ملزم بوده رعایت تناسب مشخصی را بنماید و بدین سبب مجبور بوده است به بیان ضروری‌ترین مطالب درباره خرم دینان و رهبر آنان با تصریح اساسی‌ترین مراحل نهضت مذکور ، بدون پرداختن به جزئیات و تفصیلات ، که می‌توان در رساله خاصی گنجانند قناعت کند . لیکن ، با وجود نقائص مذکور ، تحقیق مهم و اساسی صدیقی درباره نهضت‌های مذهبی در سده‌های اول و دوم و سوم هجری در ایران ، تاکنون دارای اهمیت زیاد و بسیار جالب توجه است و هنگام بوجود آوردن رسالات خاص درباره بابک و نهضت ملی - آزادینخواهی در آذربایجان در سده نهم نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود .

در تالیف محسن عزیزی دانشمند دیگر ایرانی نیز، که همچنین بزبان فرانسه در سال ۱۹۳۸ در پاریس منتشر گردیده^۱، مقام خاصی به قیام بابک تخصیص یافته است. مقالات مخصوصی را هم، که در سال ۱۹۳۷ به زبان انگلیسی در دائرةالمعارف اسلام انتشار یافته است باید یادآوری نمود. یک سلسله مقالاتی هم، که در اوقات مختلف ولادیمیر مینورسکی خاورشناس معروف انتشار داده، برای بررسی تاریخ شورش مذکور فوق العاده اهمیت دارد. مقاله «کافکازیکا - ۴» (قفقازیات - ۴) نامبرده، که در مجله «Bulletin of the school of oriental and African studies, 1953» انتشار یافته از لحاظ علمی بسیار مهم است.

درباره مقاله مذکور در ذیل مفصل تر بحث خواهیم کرد. چنانکه از فهرست مذکور در فوق درباره تالیفات اسانی واضح است، تادوران اخیر رساله های علمی خاص، درباره نهضت ملی - آزادیخواهانه ملت آذربایجان تحت رهبری بابک در سده نهم وجود نداشته است.

پروفسور سعید نفیسی مؤلف اولین مقالات مهم درباره بابک در ایران بقصد رفع این نقص کاملاً محسوس در علم تاریخ تصمیم اتخاذ نمود رساله علمی خاصی درباره قیام بابک بوجود آورد. بطوریکه مؤلف در دیباچه خود حکایت می کند، او به اصرار شاگردان و دوستان خود، مقالات سابق خویش را اساساً مورد تجدید نظر قرار داده، بمراتب کاملتر نموده، اولین کتاب مخصوص را درباره نهضت ملی - آزادیخواهانه در سده نهم در آذربایجان نوشته است. سعید نفیسی مدارک حقیقی غنی موجود در منابع عربی و فارسی و ارمنی را (بوسیله زبانهای اروپائی) گرد آورده، اولین کاملترین تاریخ بوجود آمدن نهضت خرم دینان و زندگی و فعالیت بابک و جنگهای او با خلافت عرب و پیروزیهای قیام ملی و، بالاخره، شکست و هلاکت بابک رهبر خرم دینان را تهیه نموده است. مؤلف مزبور به اسناد تصریح منابع اولیه کوشش کرده است موقع و محل

۱- رجوع شود به کتاب پروفسور سعید نفیسی.

بسیاری از نقاط جغرافیائی در آذربایجان را معلوم نماید ، که فعالیت و عملیات خرم دینان و بابک رهبر آنان در آنجا جریان داشته است . مؤلف نامبرده با تطبیق اطلاعات مورخین - وقایع نگار قرون وسطی ، به موازات آن به تحقیق تاریخی بمنظور معلوم نمودن آغاز بوجود آمدن تعلیمات خرم دینان پرداخته است . در تألیف مذکور همچنین فصل خاصی به سر نوشت بعدی خرم دینان و نهضت آنان پس از سرکوبی قیام بابک و شکست آن در آذربایجان اختصاص داده است .

وصف زندگی و شرح حال بابک فوق العاده جالب توجه است . مخصوصاً باید خاطر نشان نمود ، که پروفیسور سعید نفیسی شورش بابک را بعنوان نهضت کاملاً مذهبی بررسی نمی کند ، چنانکه برخی پژوهندگان قبل از وی کرده اند ، بلکه بعنوان نهضت ملی - آزادیخواهانه ، بعنوان مبارزه ملت آزادی دوست آذربایجان بخاطر استقلال خود مورد بررسی قرار می دهد . مؤلف مزبور کراراً تأکید می کند ، که قیام بابک بععلل اقتصادی هم بوده است . چنانکه معلوم است مورخین عرب و ایرانی قرون وسطی ، که اطلاعات اساسی درباره قیام بابک را ما از آنها کسب کرده مرهون آنان هستیم ، در هر صورت مسلمانان « مؤمن » و طرفدار دین حنیف اسلام بوده . بنابراین مبین منافع نظام فتووالی و محافل حاکنه مورد تقدیس آن دین بشمار می آمده اند . آنها همه هرگونه قیام توده های مردم را علیه اسلام و خلافت بعنوان کفر و زندقه و عصیان علیه خود خدا تلقی می نموده ، آنها را جز بامقداری دشنام و صفات و القاب موهن یاد نمی کرده اند . در آن منابع رهبران نهضت های ملی مانند تبهکارترین اشقیاء و آذغواران خون آشام مجسم گردیده ، انواع اکاذیب به آنان نسبت داده می شده است .

از این حیث بابک مورد بغض و کینه خاص زندگی نامه نویسان خود - یعنی مورخین مسلمان قرون وسطی بوده است . نام او را در تألیفات وقایع نگاران عرب و فارس با ذکر صفات و عناوینی مانند « پست فطرت » ، « غارتگر » ، « ملعون » ، « لعنت الله علیه » و امثال آن نوشته می شده است .

خرم دینان به ارتکاب تمام گناهان کبیره متهم گردیده، بعنوان جمعی دزدان غارتگر و «اراذل» و «اشخاص فاسد» و «دروغگویان» و «دزدان» معرفی می‌شدند.

این جنبه اطلاعات که در تاریخ نگاری مسلمانان داده می‌شود، که، متأسفانه، منابع اصلی بررسی قیام خرم دینان در آذربایجان است، تا حد زیادی پژوهنده را دچار اشکال می‌نماید.

لیکن مؤلف نامدار اثر مذکور با موفقیت از عهده رفع اشکالات برآمده است. مؤلف مزبور با کمال دقت تمام آن اطلاعات را تجزیه و تحلیل نموده، هسته مفید و معقول را در میان مقدار انبوه و عظیمی از مهملات یافته، اطلاعات منابع مختلف را تطبیق کرده، با توجه و موشکافی قابل تمجید، آنچه اقترأ و کذب می‌نموده و هیچ پایه و مایه واقعی تاریخی نداشته، دور افکنده، قدم به قدم تمام مراحل قیام خرم دینان و فعالیت بابک را دنبال کرده است. پروفیسور سعید نفیسی علی‌رغم اکاذیب و کثافتی، که وقایع نگاران مؤمن به سرپای بابک می‌ریزند، توانسته است چهره واقعی رهبر نهضت آزادی خواهی ملت آذربایجان را که برای برانداختن یوغ بیگانگان و بحاطر کسب استقلال و حقوق انسانی قد علم کرده بودند، چنانکه بوده است مجسم نماید. چهره درست بابک - تمثال سرداری با نبوغ و دلاوری بی باک، که از میان انبوه مردم برخاسته، مبارزی شجاع و باشهامت بحاطر استقلال و مدافع منافع مردم ستمکش و نشانی با اراده و پایداری خارق العاده و ثابت قدم نسبت به افکار و اندیشه‌های خود، که حتی سخت‌ترین شکنجه‌های خود خلیفه - ریاست عالیّه غاصبان بیگانه قادر نبود او را وادار به عدول از آن و انکار آن کند، در صفحات کتاب مذکور در مد نظر مجسم می‌گردد.

کتاب بطرزی جذاب و شوق انگیز نوشته شده، بطوریکه آن را قابل استفاده محافل وسیع خوانندگان می‌کند. مؤلف مزبور برای حفظ هم آهنگی در بیان مطالب و برای امحاء ناموزونی بین مستخرجه‌هایی از منابع اولیه و داستانسرازی خود وی تصمیم اتخاذ نموده است، که اطلاعات و متون بیشمار مورخین عرب را به سیاق ترجمه تحت‌اللفظی

عرضه نکنند ، زیرا طبیعی است ، که قرائت را دشوار می نمود ، بلکه بطرز نقل عامه پسند نگاشته است . در نقل مستخرجه‌های از تألیفات تاریخ نگاران فارسی قرون وسطی هم ، که زبان آنان مطابق معمول و مرسوم زمان چنان مطمئن و با آب و رنگ است ، که برای خواننده معاصر عادی و مانوس نیست غالباً این اصل رعایت شده است .

بیان خود مؤلف مزبور ساده و واضح است ، هر چند از بیان مذکور آثار عجله و شتاب بخوبی نمایان است .

پروفسور سعید نفیسی در آخر کتات خود ترجمه مقاله فوق‌الذکر ولادیمیر - مینورسکی تحت عنوان « کافکازیکا ۴ » (« قفقازیات ۴ ») را (که ضمناً باید تذکر داد در برخی موارد درست و مطابق اصل نیست) ، که در سال ۱۹۵۳ در لندن به زبان انگلیسی انتشار یافته ، گنجانده است .

چنانکه در بالا گفته شد این مقاله از لحاظ علمی بسیار گرانبهاست . در آن یک سلسله مسائل مهم طراز اول درباره تاریخ و اقتصاد و جغرافیای آذربایجان آزمان ذکر شده است .

مؤلف به استناد مدارك منابع عربی موقع و محل و مرزهای یک سلسله ایالات تیولی امیران آذربایجان و اسامی حکمرانان آن نقاط را تعیین می کند .

فهرست مالیات دهندگان که در کتاب ابن حوقل مورخ عرب که در قرون وسطی نوشته و در مقاله چاپ و تفسیر شده ، امکان قضاوت درباره وضع اقتصادی کشور را می دهد . عنوان مالیاتها ، که در « فهرست خراجگزاران » ثبت گردیده ، وضع دشوار و طاقت فرسائی را نشان می دهد ، که روستائیان آذربایجان گرفتار آن بودند .

مدارك زندگی نامه سهل بن سنباد (سمباط) ، که بابک را تسلیم افشین سردار قشون عرب کرد قابل توجه و گرانبهاست . مدارك مذکور علل حقیقی خیانت سهل بن سنباد ، نماینده اشراف قدیمی محلی را نشان می دهد ، که برای خوش خدمتی نسبت به غاصبان خارجی ، حاضر بوده است حتی پدر خود را به آنها تسلیم نماید .

حقایق زندگی نامه سهل بن سنباد، که در مقاله انتشار یافته، تمام دروغها و مغرضانه بودن گواهی های تاریخ نگاران مؤمن قرون وسطی را مدلل می دارد، که بر طبق نوشته های آنان گویا سهل بن سنباد بابک را برای این تسلیم نموده، که بابک با او بانحوت رفتار و به او اهانت کرده است.

پروفسور سعید نفیسی در خاتمه کتاب خود بیبلیوگرافی عالی منابع اولیه و مطبوعات مربوط به قیام بابک را به زبان اروپائی آورده است. صورت تألیفات تاریخ نگازان شرقی قرون وسطی تقریباً شامل تمام منابع اولیه موجود به زبانهای عربی و فارسی است. اما در خصوص بیبلیوگرافی مطبوعات به زبانهای اروپائی، معلوم نیست چرا مؤلف مزبور یک سلسله آثار و پژوهش های معلوم را، از قبیل رساله علمی مخصوص غلامحسین صدیقی «درباره نهضت های مذهبی ایرانیان» و آثار گک. واثیل و مولر و موثر و بلوشه درباره تاریخ عمومی خلافت و اسلام را، که بدون تردید از آنها کاملاً واقف بوده، وارد ننموده است.

با ذکر مزایای فوق الذکر کتاب پروفسور سعید نفیسی بنظر ما، یک سلسله موارد قابل بحث دارای جنبه اصولی هم در آن کتاب وجود دارد که خود را موظف می دانم توجه خوانندگان را بدان جلب نمایم.

تعلیمات خرم دینان برای زنانهم قائل بحقوقی برابر مردان بود. مدارک بیشمار منابع موجود باصراحت دلالت می نماید که زنان در جامعه خرم دینان از آزادی کامل و تساوی حقوقی برخوردار بوده حتی اغلب اوقات در نبردها شرکت می نمودند. برای تأیید آنچه گفته شد می توان یک سلسله مدارک هم ارائه داد، که متأسفانه مورد توجه مؤلف کتاب واقع نشده است.

در آثار ابن الندیم و سایر تاریخ نگاران قرون وسطی مراسم ازدواج بابک و والدین او مفصلاً شرح داده شده است. از آن مطالب معلوم است که تعلیمات خردم دینان در

زندگی خانوادگی قائل به وحدت زوجه بوده و حال آنکه در تعلیمات مزدکی‌ها و سایر فروع وسطی مراسم ازدواج خاص مناسبات خانوادگی با یک زوجه وجود نداشته است. گذشته از آن مورخین عرب نوشته‌اند که پس از انهدام قلعهٔ بَد - پایتخت خرم دینان افشین عدهٔ کثیری زنان بابک را اسیر کرده، ولی از نوشته‌های همان تاریخ نگاران معلوم است که وارث بابک فقط یک دختر بوده که به سامرا برده‌اند و معتصم خلیفه عنفاً او را بی عصمت کرده است این مطلب هم تا حد مشخصی حاکی از آن است که بابک فقط یک زن داشته که همان بیوهٔ جاویدان بوده است.

تمام مطالبی که گفته شد بوسیلهٔ این حقیقت تردید ناپذیر و غیر قابل انکار تصدیق می‌شود که دربارهٔ تعدد زوجات و «فساد اخلاق» بابک و اشتراک در زنان در میان خرم دینان در تألیفات نویسندگان غیرمسلمان، مثلاً، در آثار موسس - کارانکات وستنی تاریخ نگار معروف آلبانی، که بزبان ارمنی می‌نویسد هیچ‌وجه چیزی نوشته نشده اشارهٔ هم نشده است.

علاوه بر آن به گواهی خودتاریخ نگاران مسلمان بابک اراضی و املاک فقط اعراب و مسلمانان نمی‌گرفته، بلکه از سایر مالکان هم، مثلاً در ارمنستان می‌گرفته است. مالکان مذکور همان فتودالهای تازه بدوران رسیده بوده‌اند.

بدین ترتیب این قیام ملی در سدهٔ نهم میلادی فقط نهضت آزادی خواهی و ضد عرب بوده است. نهضت مذکور همچنین بر ضد مناسبات فتودالی بوده است.

۱ - ضمناً باید خاطر نشان نمود، که برطبق یک سلسله مدارک که تقریباً تمام تاریخ نگاران مسلمان اشتراک در زنان را بکیش و تعلیمات خرم دینان نسبت می‌دهند، این موضوع هیچ‌وجه حقیقت ندارد. بقرار معلوم تاریخ نویسان عرب بعلت اینکه زنان خرم دینان دارای آزادی کامل بوده آزادانه با مردان معاشرت می‌کردند، چنین تصور نموده‌اند، همین امر بخودی خود برای مسلمانان کافی بوده تا تعلیمات خرم دینان را بمنزلهٔ تبلیغ و اشاعه اشتراک در زنان دانسته پیروان بابک را به فساد اخلاق و فسق و فجور و الحاد متهم نمایند.

متأسفانه سعید نفیسی در کتاب خود این مسئله را طرح نمی‌کند و بالنتیجه بسیاری از مدارك گرانهای حقیقی را قید ننموده ، که بما امکان می‌داده عمیق‌تر از جمیع جوانب جنبه ضد فتودالی قیام بابک را بررسی کنیم .

موضوع بسیار مورد تردید و قابل بحث ذیل نیز با مطلب مذکور بستگی دارد . در قسمتی که بر تصریح بوجود آمدن و ماهیت تعلیمات خرم‌دینان اختصاص یافته ، مؤلف اطلاعات منابع را ذکر می‌کند ولی مورد تحلیل همه جانبی قرار نمی‌دهد . برخی از تاریخ نگاران قرون وسطی خرم‌دینان را با مزدکی‌ها مرتبط می‌کنند ، بعضی با پیروان مانی- یعنی زندیق‌ها . دیگران با باطنیه ، بعضی با فرقه ابو مسلمیه و هکذا . مؤلف رساله تمام این اطلاعات را بر شمرده بر این تذکار اکتفا می‌کند که تاریخ نگاران به تعلیمات خرم‌دینان بدرستی پی نبرده آنرا با سایر تعلیمات انشعابی و مخالف مذهبی فرق دیگر مخلوط می‌کنند .

آری ، واقعاً هم قیام‌های بیشمار و نهضت‌های ملی قرون وسطی در ایران و آسیای میانه و کشورهای دیگر در زیر یکی از پوششها یا نقاب‌های مذهبی جریان می‌یافته است . مثلاً یکی از بزرگترین قیام‌ها علیه جهانگیران غاصب عرب و علیه مناسبات فتودالی که آنها رواج می‌دادند و در زیر پرچم الحاد کفر محض جریان داشت ، رهبر آن نهضت ضد فتودالی که از سال ۷۷۶ تا سال ۸۷۳ میلادی (از ۱۵۵ تا ۱۶۲ هجری شمسی ادامه داشت هاشم بن حکیم مقنع مشهور بود ، که خود را مظهر خدا اعلام نمود ، منکر اسلام و پیغمبر حضرت محمد بود . پیروان مقنع همچنین زندیق و ملحد و خدا ناشناس نامیده می‌شدند .

یکی از پرده‌های استتار مذهبی بسیار شایع ، که بمنزله زمبینه آماده برای نهضت‌های متعدد ملی در خاور زمین اسلامی بود طریقه تشیع اسلام و فرقه‌های متعدد آن - از قبیل امامی‌ها و خارجی‌ها و رافضی‌ها و معتزلی‌ها و باطنی‌ها و قرمطی‌ها و ابو مسلمی‌ها و امثال آن بودند .

چنانکه معلوم است تشیع در نتیجه مبارزه برای کسب قدرت بعد از وفات حضرت محمد در میان خود اعراب بوجود آمد.

ولی طریقه تشیع اسلام که در میان فرق اعراب بوجود آمده بود بعدها در کشورهای غیر عربی و متصرفات خلافت از قبیل ایران و آسیای میانه و آذربایجان و افریقا و کشورهای دیگر زیاد گسترش یافت. باید گفت که ضمناً تشیع در کشورهای مذکور دارای خصوصیات محلی گردید. متدرجاً در اعماق آن خط مشی‌ها و فرقه‌های متعدد بوجود آمدند، که گاهی هیچ وجه اشتراکی بایکدیگر نداشتند.

قبل از هر چیز لازم است خاطر نشان بشود، که تشیع از طرف دین حنیف اسلام - یعنی مذهب حاکمه مسکن مورد تعقیب واقع می‌شد.

برخی جنبه‌های تشیع از طرف توده‌های ستم کش مردم بامیل پذیرفته می‌شد. مثلاً در نهضت‌های شدید ضد فئودالی سده نهم و سده‌های بعد تعلیمات فرق متعدد تشیع خاصه قرامطه و باطنیه نقش مخصوصی ایفا نمود. فرقه‌های مذکور، هر چند که مثل کیش خرم دینان، منکر اسلام و مقررات اساسی آن نبودند و فقط درباره این مسئله اختلاف داشتند که ریاست عالیّه مسلمین باید با که باشد و همچنین در تفسیر یک سلسله احکام و اصول جامد مذهب رسمی - یعنی تسنن اختلاف داشتند. در تعلیمات باطنیه و قرامطه و فرقه‌های متعدد دیگر تشیع عقیده به ظهور مهدی نقش مهمی ایفاء می‌نمود. بر طبق تعلیمات مذکور (بعقیده باطنیه و قرامطه محمد بن اسماعیل امام هفتم شیعیان و بعقیده امامیه مهدی منتظر امام دوازدهم) دیر یا زود ظهور می‌کند و دین را از نور و اوج می‌دهد و اسلام را شکل اول آن مجدداً برقرار خواهد کرد و قواعد غیر عادلانه را که اهل تسنن برقرار نموده‌اند بزور شمشیر نابود خواهد کرد.

۱ - رجوع شود به ای. گولد تسیگر. کنفرانس هائی درباره اسلام. سنت پتربورگ،

سال ۱۹۱۲. صفحه ۲۰۰

رجوع شود به ای. پ. پتروشفسکی. نهضت سربه داران در خراسان. یادداشت‌های

علمی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم، مسکو، سال ۱۹۵۶، صفحه ۹۷.

برطبق تعلیمات باطنیه هرپدیده‌ئی مفهوم ظاهری و باطنی دارد . بدین نحو آنان قرآن را بطور استعاری تفسیر می‌کردند بطوریکه می‌بینیم، بین تعالیمت خرم‌دینان و پیروان مقنع ، که علناً اسلام را انکار می‌کردند و تعلیمات باطنیه و قرامطه که نهضت‌های کشاورزان آزاد - اعضاء جامعه علیه اسارت و بردگی روزافزون فتودالیم که رو به ترقی بود ، هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد . با اینوصف تاریخ نگاران غالباً تمام این تعلیمات را مخلوط می‌کنند ، زیرا هریک از تعلیماتی که منطبق بامذهب تسنن نبود ، زندقه و الحاد شمرده می‌شد . برای تأیید مطالب گفته شده کافی است مثالی آورده شود .

نظام‌الملک معروف در کتاب «سیاست نامه» خود در وصف شورش زنگی‌ها تحت ریاست علی بن برقی درخوزستان و بصره (سالهای ۸۶۸ - ۸۸۳ میلادی) نوشته است «مذهب او (برقی - ع. ر.) همان کیش مزدک و بابک و قرامطه و با از جمیع جهات بدتر بود» .

این تمایل تقریباً تمام تاریخ نگاران مسلمان است ، که تمام تعلیمات الحادی آنان را یکسان و همانند معرفی می‌نمایند ، هرچند که در اغلب موارد ایده‌تولوژی آنها اندک تشابهی داشته باشد .

پروفیسور سعید نفیسی به استناد این وضع از تحلیل اطلاعات تاریخ نویسان قرون وسطی ، که تعلیمات خرم‌دینان را بادپیگران مربوط می‌نمایند خودداری می‌کنند و اطلاعات مذکور را نتیجه تمایل فوق‌الذکر مؤلفین مسلمان می‌داند .

لیکن مقایسه و تطبیق برخی مدارک ، که در منابع ذکر شده نشان می‌دهد، که این اصل در تمام موارد قابل توجیه نیست .

پروفیسور سعید نفیسی تمام تذکرات مؤلفین قرون وسطی را مبنی بر ارتباط مذهب خرم‌دینان با تعلیمات الحاد آمیز متعددی ، که در ایران و آسیای میانه رواج داشته کنار گذاشته بدین نتیجه کلی می‌رسد ، که تعلیمات خرم‌دینان جریان واحد مذهبی و عبارت بوده است از ادامه ترقی آئین مزدکی و بمنزله مرحله پس از اسلام آن .

لکن بطوریکه اطلاعات منابع اولیه نشان می‌دهد این استنتاج مطابق واقعیت نیست. قبل از هر چیز باید خاطر نشان ساخت، که تعلیمات خرم دینان در سرزمین پهناوری در ایران و آسیای میانه و آذربایجان و نقاط دیگر انتشار داشته و در میان مردم هر دیف با آن یک سلسله جریانات الحادی دیگر وجود داشته است، از قبیل فرقه‌های باطنیه و قرامطه و ابومسلمیه و غیره، تعلیمات این فرقه‌ها از لحاظ نظری کمتر وجه مشترک داشتند. غیر از اینکه آنها همه علیه اسلام رسمی بودند. معهدا آنها همیشه در موقع مبارزه بخاطر منافع اجتماعی خویش نیروهای خود را علیه بهره‌کشی فتودالی و غاصبان خارجی متحد می‌نمودند. برای تأیید مطالب فوق‌الذکر کافی است که یک نمونه بیاوریم. نظام الملک وزیر در تألیف مذکور خود در فصل ۴۸ درباره قیام خرم دینان در اصفهان و آذربایجان چنین نوشته است: « هر وقت خرم دینان شورش می‌کردند، باطنیه با آنان وحدت داشتند و به آنها کمک می‌کردند. زیرا ریشه هردو کیش یکی بود. در سال ۱۶۲ هجری سال ۷۷۸ میلادی در ایام خلیفه مهدی (۷۷۵ - ۷۸۵) باطنیان گرگان که ایشان را « سرخ کمان » می‌خوانند با خرم دینان دست یکی کردند و گفتند ابومسلم زنده است! ما ملک بستانیم ابوالغراء پسر او را مقدم خویش کردند و تاری آمدند و حلال و حرام را یکی کردند و زنان را مباح کردند. مهدی نامه نبشت به اطراف به عمرو بن العلاء که والی طبرستان بود: دست یکی کنید و به حرب ایشان روید. برفتند و آن جمع پراکنده شدند. در زمان اقامت هارون الرشید در خراسان بار دیگر خرم دینان ایالت اصفهان و ترمذین و کاپله و نایک و دهستانهای دیگر مجدداً خروج کردند. از ری و همدان و دسته و گیره عده کثیری بیرون آمده به آن مردم پیوستند. عده آنان یکصد هزار نفر شد. هارون عبدالله بن مبارک را از خراسان با بیست هزار سوار برای قلع و قمع آنها فرستاد. آنها ترسیدند و هر گروه از مردم بجای خود برگشتند ... »

طبیعی است که این تعلیمات الحادی تأثیر مقتضی در اساس تعلیمات خرم دینان نموده است. بهبودی نیست که سید مرتضی بن داعی حسنی رازی در تبصرة العوام فی معرفة

مقامات الانام ، تألیف خود در قرون وسطی تعلیمات اسمعیلیه را با تعلیمات الحادی «باطنیه و خرمیه و صائیه و بابائیه و معمره . ، یکسان می‌داند . تمام این مطالب حاکی این مطلب است ، که تعلیمات خرم دینان از لحاظ نظری جریان واحد دارای جنبه بنیانی نبوده ، بلکه پدیده مرکب و جامعی بوده ، که بسیاری از عناصر سایر جریانات مذهبی را جذب و جمع کرده بوده است .

نظام الملک در وصف مراسم کیشی خرم دینان چنین نوشته است :

اما قاعده مذهب ایشان آنست که رنج از تن خویش برداشته‌اند و ترك شریعت بگفته ، چون نماز و روزه و حج و زکوة و حلال داشتن خمر و مال و زن مردمان و هر چه فریضه است از آن دور بوده‌اند .

هر گه که مجمعی سازند تا جماعتی بهم شوند ابتدای سخن ایشان آن باشد ، که بر کشتن ابومسلم صاحب دولت دریغ خورند و بر کشته او لعنت کنند و صلوات دهند بر مهدی فیروز و بر هارون پسر فاطمه دختر ابومسلم ، که او را کودک دانا خوانند و به تازی « الفقی العالم » و از اینجا معلوم گشت که اصل مذهب مزدک و خرم دینی و باطنیان یکی است ^۱ .

بوجود آمدن فرقه « ابومسلمیه » با نام و فعالیت سردار معروف نهضت‌های ملی در ایران شرقی و آسیای میانه در سالهای چهارم سده هشتم میلادی علیه بهره‌کشی فتودالی غاصبان عرب بستگی دارد .

نهضت ملت‌های ایران شرقی و آسیای میانه تحت ریاست ابومسلم بعدها بنفع خاندان عباسی مورد استفاده واقع شد . در نتیجه نهضت ملی تحت رهبری ابومسلم خلافت خاندان اموی در سال ۷۴۹ میلادی پایان یافت و خاندان عباسیان زمام امور را بدست گرفت .

۱ - نظام الملک ، از صفحه ۲۲۴ تألیف استخراج شده دارای سهوا و اشتباهات زیاد است . بدین سبب این قطعه از متن پروفیسور . ن زاخودر ، که انتشار یافته اقتباس شده است .

لیکن عباسیان از شهرت و محبوبیت بسیار ابومسلم در میان مردم هراسان بودند و تصمیم اتخاذ نمودند خود را از او رهایی بخشند. ابوجعفر المنصور خلیفه دوم عباسی (۷۶۴ - ۷۷۵ میلادی) در سال ۷۷۵ میلادی تحت عنوان احترام و تجلیل ابومسلم با خدعه و فریب او را به بغداد کشاند و خلع سلاح نموده او را خائنانه در خوابگاه دربار خلیفه کشتند.

بطوریکه نخستین بار سیلوئستر - دو - ساسی^۱ خاورشناس معروف فرانسوی معلوم نموده، حتی در زمان حیات ابومسلم در میان انبوه مردم فرقه‌ئی بوجود آمده بوده، که او را امام مهدی می‌دانسته‌اند، که باید ظهور می‌کرده و با شمشیر اسلام را پاک و در تمام عالم عدل و انصاف را برقرار می‌نموده است.

« بعد از مرگ ابومسلم فرقه به دو قسمت تقسیم گردید: قسمتی از پذیرفتن حقیقت مرگ ابومسلم خودداری کردند و تصور می‌نمودند که ابومسلم زنده است و قسمت دیگر واقعیت مرگ ابومسلم را پذیرفته فاطمه دختر او را امام و جانشین وی دانستند. فرقه اخیر الذکر هم بعدها دو قسمت شد و قسمتی هارون بن فیروز پسر فاطمه را امام مهدی دانستند. این فرقه «خداقیه» نامیده شده بیش از سایر جریانهای مذهبی در ایران و آسیای میانه و کشورهای مجاور اشاعه یافت. بطوریکه از اطلاعات بیشمار تاریخ نگاران قرون وسطی برمی‌آید این فرقه‌ها در آذربایجان نیز پیروان بسیار داشته‌اند.

مستخرجه بالا گفته از تألیف نظام‌الملک، بدون تردید، حاکی از این است، که این فرقه‌های الحادی وابسته بنام و فعالیت ابومسلم بیش از سایر جریانات مخالف مذهب بر اساس نظری تعلیمات خرم دینان تأثیر کرده است. گواهی نظام‌الملک مبنی بر اینکه « هر گاه که مجمعی سازند تا جماعتی بهم شوند ابتدای سخن ایشان آن باشد، که بر کشتن ابومسلم صاحب دولت دریغ خورند و برکشنده او لعنت کنند و صلوات دهند بر مهدی و بر هارون بن فیروز پسر فاطمه، باصراحت نشان می‌دهد که تعلیمات خرم دینان تعلیمات

۱- Silvestre de Sacy. Religion des Druzes. t. I., intrond. p. 58-59.

الحادی « ابومسلمیه » و « خدایه » و امثال آنرا اقتباس و جذب نموده بوده است .

مثال دیگر : بطوریکه معلوم است در نتیجه تعقیب‌های ظالمانه شیعیان و تحت تأثیر خطر دائمی که آنرا تهدید می‌کرد، در میان آنها تعلیمات اخلاقی رواج و ترقی یافته، که مشروط به ضرورت رعایت رازداری در کلیه کارهای آنان بوده است . این نظر، که هر چند در میان آنها، بلکه در اصل تعلیمات مذهبی مبدل به یکی از اصول عمده شده پیروی از آن هم برای منافع عامه از وظایف حتمی هریک از اعضاء آن جامعه شمرده شده است . مفاد آن مشمول کلمه « تقیه » است . یک فرد علاوه بر اینکه می‌تواند، باید هم معتقدات خود را مکتوم دارد و در محلی که مخالفان و دشمنان حاکمیت دارند نباید چنان سخن بگوید و رفتار کند، که گمان به شیعه بودن او برسد تا مبادا رفیقان خود را بمخطر بیندازد و مورد تعقیب قرار دهد .^۱

بطوریکه گواهی‌های مؤلفین قرون وسطی نشان می‌دهد، این تعلیمات اخلاقی شیعه‌های تمام فرق و شعب را خرم‌دینان اقتباس کرده بودند . مثلاً، در « سیاست‌نامه » نوشته شده است : « در گفتار آنان (یعنی خرم‌دینان) خود را مسلمان می‌خوانند، اما در حقیقت کارهای بی‌دینان را می‌کنند . کارهای باطنی آنان - که لعنت خدای بر آنها - مخالف اعمال ظاهری و سخنانشان مخالف اعمالشان است . دشمنی هولناک‌تر و نفرت‌انگیزتر از آنها ... برای دین محمد نیست . دشمنی بدتر از آنها برای ملک خدای عالم نیست . مردمی که در این حکومت هیچ قدرتی ندارند و دعوت به تشیع می‌کنند از این گروه هستند .^۱ وقتی که تعلیمات کاملاً مخالف یکدیگر از حیث ایده‌ئولوژی در موقع نهضت‌های ملی متحد می‌شده‌اند، در موارد دیگر هم نظرات مشابهی اظهار می‌شده است . همان نظام‌الملک دشمن سرمنبت تعلیمات الحادی در فصل‌چهل و ششم « درباره قیام سنبادگیر از نیشابور و رفتن به‌ری علیه مسلمانان و عصیان او » چنین نوشته است : « وقتی که ابوجعفر المنصور در سال یکصد و سی‌ام از هجرت نبوی - رحمة الله علیه ! (سال ۷۷۵ میلادی) -

۱- گولد تسیگر، مستخرجه از تالیف، صفحه ۱۸۹ .

در بغداد ابومسلم را به قتل رساند رئیس و عاظم در شهر نیشابور گبری بنام سنباد بود، که مدتی مدید به ابومسلم خدمت کرده ارتقاء یافته بود. پس از قتل ابومسلم او شورش کرده از نیشابور به ری آمد و گبرهای طبرستان را دعوت نمود. او می دانست، که ساکنین کوهستان اکثر رافضی و شبهی و مزدکی هستند و خواست آشکارا اقدام به تبلیغ نماید... او ب مردم ایران و خراسان می گفت: «ابومسلم اسم اعظم خداوند را بزبان جاری کرده مبادل به کبوتر سپیدی شده پرواز کرد و اکنون در دژی از مس با مهدی و مزدک قرار دارد»^۳ آنها هر سه ظهور خواهند کرد. ابومسلم رهبر و مزدک وزیر او خواهد بود. بمن هم پیامی رسیده (از آنها): «هنگامی که رافضی ها نام مهدی و مزدکی ها نام مزدک را شنیدند به تعداد کثیری گرد آمدند. کار سنباد بزرگ شد (یعنی پیش رفت) و به آنجا رسید که یکصد هزار نفر در اطراف او جمع شدند. در گفتگو با گبرها او می گفت: «حکومت تازیان به آخر رسیده است. من این را در کتاب یکی از اعقاب ساسان دیده ام. پاپس نمی گذارم تا کعبه را خراب نکنم، آخر آنرا بجای خورشید تعیین نموده اند. اما ما چنانکه در عهد کهن بوده خورشید را کعبه خود می کنیم: «مزدک شیعه بود و من بشما دستور می دهم که با شیعه ها یکی باشید. انتقام خون ابومسلم را بگیرید» بدین نحو او بر هر سه دسته حکمرانی می کرد...»^۱.

این قطعه بسیار قابل توجه، که معلوم نیست چرا از نظر پروفیسور سعید نفیسی دور مانده بخوبی نشان می دهد که فرقه های کاملاً مختلف الحادی از رهبران نهضت های ملی در مبارزه علیه غاصبان بیگانه و بخاطر رهائی از اسارت فئودالی و از نام و محبوبیت آنان استفاده می کرده اند.

چنانکه از گواهی های بیشمار تاریخ نگاران قرون وسطی معلوم است در نیمه دوم سده هشتم در سرزمین آذربایجان فرقه های مذهبی متعدد دارای جنبه الحادی وجود داشته اند.

مثلاً، همان نظام‌الملک در فصل چهل و هفتم تألیف خود نوشته است « درباره ظهور قرامطه و باطنیان در کوهستان ایران و خراسان » در موقع عزیمت به خراسان غیاث وعده داد، که پس از اندکی در سال فلان مهدی ظهور خواهد کرد. قرامطه منتظر وقوع این واقعه بودند. اما اهل تسنن (یعنی پیروان اسلام رسمی - ع. ر.) درباره غیاث اطلاع یافتند، که او بازآمده موعظه می‌کند. چنین شد، که موعده ظهور مهدی فرا رسید و معلوم شد، که غیاث کذاب است. شیعیان علیه او برخاستند، رسوایش کردند و از او جدا شدند. او فرار کرد و هیچکس نتوانست او را پیدا کند. بعد از آن جامعه شهرری در اطراف یکی از نوه‌های خلیفه متحد شدند و با او وقت می‌گذرانند. قبل از رسیدن مرگ او پسر خود معروف به بوجعفر کبیر را بجانشینی خود تعیین کرد. هنگامی که بیماری مهلک بر او مستولی گردید او بوخاتم را (بجای خود) نشانید. ولی بعد از بهبودی بوجعفر آن بوخاتم از ریاست کناره نکرد و بوجعفر را به هیچ نشمرد. ریاست از خاندان خلیفه رخت بر بست. آن بوخاتم و عاظ (دعای) به کشورهای از قبیل: طبرستان و اصفهان و آذربایجان فرستاد و مردم را به کیش خویش دعوت کرد^۱.

بدیهی است، که فعالیت و موعظه با دعوت این و عاظ (دعای)، که به آذربایجان فرستاده می‌شدند، بی نتیجه نمی‌ماند. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تمام این فرقه‌های الحادی، که در نتیجه بر آشفستگی و نارضائی مردم از واقعیات محیط بوجود می‌آمدند وارد یک مسیر و مجرا شدند، که اساس نظری و ارمائی نهضت ضد اسلامی و ضد فتودالی و آزادی طلبی مردم آذربایجان را تشکیل داد. بدین ترتیب کیش خرم دینان که نیروهای محرکه قیام بابک از پیروان آن تشکیل یافته بود تعلیمات خاص یکسان نبود، بلکه درست گفته بشود عبارت بود از جنبش عظیم سیلاب‌واری، که از انهار کوچک سرچشمه گرفته بود، که در آذربایجان بحد و فور بود. همین هم یکی یکی از عللی بود، که بابک به آسانی توانست تمام مردم آذربایجان را برانگیزد و نیروی

۱- نظام‌الملک، مستخرجه از تألیف، صفحات ۲۱۰-۲۱۱.

گروه‌های متفرق را در مبارزه علیه غاصبان بیگانه و بوغ جور و ستم فئودالی و بخاطررهائی مردم متحد نماید .

در رسالهٔ پروفیسور سعید نفیسی نقائص نوع دیگر هم وجود دارد . مؤلف کتاب هنگام تنویر برخی مسائل گاهی تمام اطلاعات و گواهی‌های مؤلفین قرون وسطی را ذکر نمی‌نماید . مثلاً ، در وصف طفولیت و معلوم نمودن حسب و نسب و زادگاه بابک پروفیسور سعید نفیسی اطلاعات ابن‌الندیم مورخ عرب و عوفی نویسندهٔ فارس را ذکر می‌کند . ولی تصور می‌شود ، که نباید بهمین اکتفا کرد . بطور کلی در اطلاعات ابن‌الندیم و عوفی نوعی مغرض بودن مؤلفین مذکور محسوس است ، زیرا علاقمند هستند که حسب و نسب « پست » و « نانجیب » بابک را تأکید نمایند . گذشته از آن در آن اطلاعات اختلافات واضح وجود دارد . مثلاً ، ابن‌الندیم دیه بلال آباد روستای میمه را زادگاه بابک نامیده در همانجا خاطر نشان می‌سازد ، که والدین بابک سرودهای نبطی (کلدانی ، آرامی) می‌خوانده‌اند ! پدر بابک اهل مداین بوده ، که بروبرانه‌های آن شهر بغداد بنا شده است . پس از آن هر دو مؤلف هیچ چیز دربارهٔ عبدالله برادر بابک نمی‌گویند ، بلکه پدر او را چنین می‌نامند .

معلوم نیست چرا اطلاعات قابل توجه طبری دربارهٔ این مسائل در کتاب درج نشده است . مثلاً ، در اخبار طبری اطلاعات بسیار گرانها وجود دارد . طبری دربارهٔ طفولیت و مرحلهٔ اول فعالیت بابک می‌نویسد ، که بابک با شروین بن ورجاوند سردار نهضت ملی طبرستان ملاقات و گفتگو کرده است . از آن گفتگو ، اگر گفتگو حقیقت داشته ، می‌توان چنین استنتاج نمود ، که بابک از اشراف قدیمی محلی و اسلاف او از دهگانان بوده‌اند . علاوه بر آن ، یک شعر عربی ، که در اثر طبری آورده شده به محمد ابن عبدالملک الزیات نسبت داده می‌شود :

قد خضنب الفیل کعادته	یحمل شیطان الخراسان
والفیل لانخضب اعضاؤه	الی الذی شأن من شان

بطوریکه از متن و توضیحات بعدی خود طبری معلوم است ، این شعر برای بابک سروده نشده ، بلکه مربوط است به مازیار سردار نهضت ملی طبرستان و معاصر و همفکر بابک (رجوع شود به طبری ، صفحه ۱۳۰۳) . لیکن این مطلب مورد توجه مؤلف رساله واقع نشده است ، بقرار معلوم ، بدین سبب که او قطعه مربوطه را در نسخه اصلی کاملاً نخوانده است .

در کتاب مذکور گاهی تشخیص و تفسیر نادرست برخی اصطلاحات تاریخی و ترجمه تحریف شده متون منابع عربی مشاهده می شود . مثلاً بعلت تفسیر نادرست کلمه « اباحیه » مؤلف یک سلسله اطلاعات مؤلفین قرون وسطی را که بسیار اهمیت دارند رد می کند و بدور می افکند . او این کلمه را فقط بمعنی « مجاز » ، معادل « حلال » تشخیص می دهد .

واقعاً هم فقه اسلامی پنج طبقه عمده مقررات قانون الهی را تعیین می کند ، که « خمسة الاحکام » نامیده می شود . کلمات « حلال » یا « مباح » آنچه را که مجاز است تعیین می کند ، یعنی آنچه را که می توان عملی کرد یا نکرد (آ . ا . اشعیدت . عبدالوهاب الشفان ، سنت پتربورگ ، سال ۱۹۱۴ ، صفحه ۱۲۵) . لیکن همین کلمه بعداً تغییر معنی داده در بعضی تألیفات آورده شده است . مثلاً ، در تألیف مهم نظام الملک وزیر ، یعنی در « سیاست نامه » قطعات مربوطه ، که در رساله کلمات « اباحت » - « مباحات » بامعنی « مجاز » و « مجاز بودن » (حلال) آورده شده معنی دیگر هم دارد ، که اجازه می دهد آنها به معنی « عمومی » و « عمومی بودن » تفسیر بشود ، مثلاً « اباحت مال » که بمعنی عمومی یا مشترك بودن اموال است .^۱

مثال دیگر : در « کتاب الفهرست » معروف ابن الندیم عده ثقی قطعات جالب توجه درباره تعلیمات و اخلاقیات خرم دینان هست ، که معلوم نیست چرا مؤلف ذکر نکرده است ، هر چند مستخرجهائی از آن اثر کراراً در رساله آورده شده است . چون یکی

۱ - ب . ن . زاخودر . توضیحات بر « سیاست نامه » ، صفحه ۲۵۰

از آن قطعات دارای اهمیت فوق العاده است . ما خود را موظف می دانیم عیناً آن را نقل کنیم :

مذهب الخرمیة والمزدکیة : قال اسحق الخرمیة صنفان الخرمیة : الاولین وبسمون المحمره وهم بنو اخی الجبال فیما بین آذربایجان وارمنیة وبلاد الدیلم وهمدان و دینور منتشرین و فیما بین اصفهان و بلاد الاهواز وهؤلاء اهل مجوس فی الاصل ثم حدث مذهبهم وهم ممن یعرف باللطه وصاحبهم مزدک انقذهم امرهم به تناول اللذات والانعطاف علی بلوغ الشهوات والأكل والشرب ومواشاة والأختلاط وترك الاستبداد بعضهم علی بعض ولهم مشاركة فی الحرم والاهل ولا یمتنع الواحد منهم من حرمة الآخر ولا یمتنعه ومع هذا لخال فیرون افعال الاخیر وترك القتل وادخال الآلام علی النفوس ولهم مذهب فی الضیافات لیس وهو لأحد من الامم اذا اضافوا الانسان لم یمنعوه من شیء یا تمسه کائنا ما کان وهی هذا لمذهب مزدک الاخیر اللذی ظهر فی ایام قبادین فیروز وقتله انوشیروان وقتل اصحابه وخبره مشهور معروف وقد استقصی البلخی اخبار الخرمیة ومذاهبهم وافعالهم وشربهم ولذاتهم وعباداتهم فی کتاب عیون المسائل والجوابات ولا حجة بنا الی ذکر ما قد سبقنا الیه غیرنا .

« مذهب خرمیه ومزدکیه » ، - گفت محمد بن اسحق : خرمیه به دو گروه تقسیم می شوند : گروه اول آنها که « محمره » نامیده می شوند . آنها در نواحی جبال (زندگی می کنند) ، که واقع است بین آذربایجان وارمنستان . آنها همچنین در نواحی دیلم وهمدان و دینور که بین اصفهان و اهواز است گسترش دارند . در واقع آنها آتش پرستند ، اما بعد مذهب آنها تجدید یافته ، آنها را همچنین اللطه می نامند . رئیس آنها - مزدک قدیمی است ، که به آنان دستور داده از تمام لذات بهره گیرند وشهوات را ارضاء کنند و بخورند و بنوشند (شراب) و بیکدیگر یاری نمایند و بین خود معاشرت کنند از اعمال جبر نسبت به دیگری خودداری نمایند . در میان آنها اشتراك در زنان و اهل بیت وجود دارد ، هیچیک از آنان نسبت به زوجه دیگری خودداری نمی کند و هیچکس مانع او نمی شود . مع هذا آنها کارهای نیک را تأکید می کنند و مخالف قتل و مسبب درد برای نفوس

هستند. دربارهٔ مهملان نوازی رسمی دارند که در میان هیچ ملت دیگر نیست. اگر هر شیء را از آنها بخواهند، آنها بیچکس جواب رد نمی دهند. و (رئیس) این مذهب مزدک اخیر بوده که در ایام (سلطنت) قباد بن فیروز قیام نموده انوشیروان اورا و پیروان اورا کشته است. حکایات راجع به او معروف و شایع است.

«اطلاعات دربارهٔ خرمیه و دربارهٔ مذهب آنان و رفتارشان و نوشیدن (شراب) و تعلیم کسب لذات و عبادات آنها در کتاب «عیون المسائل والجوابات» بلخی حکایت شده حاجت به تکرار آنچه دیگران قبل از ما گفته اند نیست.»

مثال دیگر: پروفیسور سعید نفیسی در صفحات ۸ و ۹ یکی از قطعات تألیف ابن الندیم را بدین نحو ترجمه کرده است:

«پدرش مردی از مردم مداین و روغن فروش بود. به مرزهای آذربایجان رفت و در دیبهی که بلال آباد نام داشت از روستای سیمد جای گرفت و روغن در آوندی بر پشت می گرفت و در دیبه های روستای سیمد می گشت، زنی اعور را دلباخته شد و این زن مادر بابک بود، با این زن چندی بچرام گرد می آمد، هنگامی با این زن از دیبه بیرون رفته بود و ایشان تنها بودند و بادهئی داشتند که می خوردند، گروهی از زنان از دیبه بیرون آمدند و خواستند آب از سر چشمهئی بردارند و به آهنگ نبطی زمزمه می کردند و بسر چشمه نزدیک شدند و چون ایشان را باهم دیدند بر ایشان تاختند. عبدالله (پدر بابک) گریخت و موی مادر بابک را کشیدند و به دیهش بردند و رسوا کردند.»

خواننده، وقتی که این قطعه را می خواند، می تواند فکر کند، که مؤلف معروف «کتاب الفهرست» مطالب بسیار گیج کننده می نوشته است، آخر ساکنین دیبه بلال آباد از روستای سیمد نمی توانسته اند سرود یا آهنگ نبطی ها، یعنی طوایف قدیمی عرب را که بزبان آرامی سخن می گفته اند و مملکت آنها در نیمهٔ دوم سدهٔ اول میلادی بوسیلهٔ اوگوست امپراتور روم تسخیر شده است بخوانند.

لیکن تطبیق مطلب با اصل معلوم نمود، که این سردرگمی نتیجهٔ عدم توجه مترجم

بوده است . در اصل نوشته شده :

« پدرش مردی از مردم مداین و روغن فروش بود ، به آذربایجان رفت و در دیه بلال آباد از روستای میمد جای گرفت و روغن در آوندی بر پشت می گرفت و در دیه های روستای میمد می گشت . زنی اعور را دلباخته شد و این زن مادر بابک بود . با این زن چندی بحرام گرد می آمد . هنگامی با این زن از دیه بیرون رفته بود و ایشان تنها بودند و باده ئی داشتند که می خوردند . گروهی از زنان دیه بیرون آمدند و خواستند آب از سر چشمه ئی در جنگل بردارند و ناگهان صدای آدمهائی را شنیدند ، که به آهنگ نبطی زمزمه می کردند . آنها به صدا رفتند ایشان را باهم دیدند و برایشان تاختند . عبدالله گریخت و موی مادر بابک را کشیدند و به دیهش بردند و رسوا کردند . »

بطوریکه معلوم است ، در اصل نوشته شده ، که پدر و مادر بابک آواز یاسرود نبطی می خوانده اند نه مردم دیه بلال آباد . ابن الندیم بدین وسیله می خواسته تأکید نماید ، که پدر بابک واقعاً اهل مداین بوده ، که مورد تأیید سایر مدارک تاریخی نیست . گذشته از تمام این مطالب لازم است مخصوصاً خاطر نشان بشود ، که قطعات از تألیفات نویسندگان عرب و فارس قرون وسطی ، که در رساله مذکور مستخرجات از آنها آورده شده ، سهواً و اشتباهات موجب تأسف دارد . علت آن سهواً و اشتباهات اصولاً این است که مؤلف از چاپ های بد و نادرست و غیر منقح متون تألیفات مذکور استفاده نموده است .

کافی است که یک مثال آورده شود .

در قسمت « آغاز کار خرم دینان » مؤلف کتاب قطعه ئی از تألیف نظام الملک را بدین نحو آورده است : « در ایام خلیفه مهدی باطنیان گرگان که ایشان را سرخ علان خوانند با خرم دینان دست یکی کردند و گفتند ابو مسلم زنده است . ما ملک بستانیم و پسر او ابوالعزرا مقدم خویش کردند و تاری آمدند . »

لیکن از تاریخ بلدرستی معلوم است ، که ابو مسلم پسری بنام ابوالعزرا نداشته است .

وی دو فرزند داشت : دختری بنام فاطمه و پسری بنام ابوالغرا . در حقیقت در تألیف شارل - شتفر (چاپ سال ۱۸۹۳، پاریس) و در ترجمه روسی پروفسور ب. ن. زاخودر اسم پسر ابومسلم ابوالغرا ، یعنی صحیح ذکر شده است .

قطعه فوق‌الذکر از چاپ‌های غیر منقح تألیف که در بمبئی (سال ۱۳۳۰ هجری قمری) و تهران (سال ۱۳۱۰ هجری شمسی) اخذ شده است .

گذشته از آن چنانکه از بیولوگرافی رساله معلوم است ، معلوم نیست چرا مؤلف از تألیفات گرانبهای مؤلفین قرون وسطی ، مانند «تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء» (چاپ لندن ، سال ۱۹۰۴) و «مرآت الزمان» سبط ابن الجوزی و «عیون التواریخ» فخرالدین شاکر و غیره استفاده نکرده .

لیکن تمام این کبودهای جزئی بهیچوجه از اهمیت رساله پروفسور سعید نفیسی نمی‌کاهد . مدارك غنی که در کتاب جمع‌آوری شده بجامعه اهل علم ما و نیز به محافل وسیع اهل مطالعه امکان می‌دهد که از بسیاری مطالب تازه و جالب توجه از زندگی بابک دلاور بی‌نظیر آگاهی یابیم و بامبارزه دلیرانه اجدادمان بخاطر آزادی از جور و اعتساف بیگانگان و بخاطر منافع اجتماعی خود و محو نمودن مناسبات نفرت‌انگیز فئودالی و بخاطر کسب حقوق انسانی نزدیکتر آشنا بشویم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی